



# تفسیر قرآن و زبان عربی

## فهرست

صفحه	عنوان
هفت	مقدمه مترجم
یازده	پل نویا
۱	مقدمه
۱۵	۱. تفسیر قرآنی و پیدایش زبان عرفانی
۲۰	۱. مُقاتل، نخستین مفسّر بزرگ
۲۸	۲. قرائت لفظی
۵۰	۳. تفسیر و تاریخ
۵۴	۴. تفسیر و خیال
۵۵	الف. جهان، آدمیان و فرشتگان
۶۰	ب. گزارش‌های پیشینیان
۶۴	۱. آدم
۶۷	۲. موسی (ع)
۷۴	۳. محمد (ص)
۸۰	ج. وقایع مربوط به اخرویات
۸۹	۲. تجربه، اصل تفسیر
۸۹	۱. کلمات و وجوه آنها

صفحه	عنوان
۹۶	۲. ترمذی در برابر مقاتل یا تجریبه به عنوان اصلی در تفسیر
۱۲۸	۳. امام جعفر صادق (ع) و مبادی واژگان تجریبه
۱۳۲	الف. از تخیل تا تجریبه
۱۳۶	ب. جفر
۱۳۹	ج. ساختار تجریبه
۱۴۶	د. پیامبران، شخصیتهای تجریبه
۱۴۷	۱. موسی، شخصیت شطح
۱۵۱	۲. محمد و رؤیت دل
۱۵۶	ضمیمه. فهرست اصطلاحات تفسیر امام جعفر صادق (ع)
۱۷۹	۳. ساختار و واژگان تجریبه
۱۸۲	۱. شقيق بلخی یا تجریبه در چهار منزل
۱۸۵	الف. زهد یا کیمیای گرسنگی
۱۸۸	ب. خوف، روح زهد
۱۹۱	ج. شوق به بهشت
۱۹۳	د. در آستانه زندگی عرفانی
۱۹۵	نتیجه
۱۹۶	۲. تجریبه خدا در آثار خراز
۱۹۹	الف. کتاب الضیاء
۲۰۱	ب. کتاب الكشف والبيان
۲۰۵	ج. کتاب الفراغ
۲۱۲	۳. کتاب الصفات یا تجریبه قرب به خدا
۲۱۲	الف. معرفی
۲۱۶	ب. ترجمه
۲۲۹	۴. «کتاب الحقائق» یا حقیقت کلمات
۲۶۵	۴. از تمثیلهای تامادهای تجریبه
۲۶۹	۱. نوری یا زبان تمثیلی تجریبه
۲۷۳	الف. تعاریف مقدماتی

صفحه	عنوان
۲۷۷	ب. دل، خانه خدا
۲۸۴	ج. دل، باغ خدا
۲۸۷	د. آب و آتش
۲۹۵	۲. نفری یا نمادهای تجر به
۲۹۷	الف. عناصر زندگی شناختی و کتابشناسی
۳۰۲	ب. گفتگو میان دو ذات
۳۰۷	ج. حرف یا جهان اعداد
۳۱۲	د. از علم تا جهل
۳۲۰	ه. وقه، حقیقت انسان فراتر از معرفت
۳۲۸	و. هنگامی که خدا به زبان انسان سخن می گوید
۳۴۳	منابع عربی
۳۴۷	منابع دیگر (فرانسه، آلمانی، انگلیسی، ترکی)
فهراس	
۳۵۱	۱. فهرست آیات
۳۵۸	۲. فهرست نامهای خاص
۳۶۴	۳. فهرست اصطلاحات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتاب تفسیر قرآنی و زبان عرفانی\* اثر پُل نویا، شرق‌شناس مشهور فرانسوی، نخستین بار در سال ۱۹۷۰ در بیروت منتشر یافت. عنوان فرعی آن، یعنی تحقیق جدید در باب اصطلاحات تصوّف اسلامی، نشان می‌دهد که این کتاب دنبالهٔ تحقیقاتی است که پیش از او در زمینهٔ اصطلاحات عرفانی صورت گرفته است. چنانکه خود نویسنده هم در مقدمه می‌گوید، این کتاب مکمل آثار قبل از آن است که در میان آنها مهمترین آثاری که ارتباط بسیار نزدیکی با آن دارد یکی کتاب گرانقدر تحقیق در مبادی اصطلاحات عرفان اسلامی تألیف ماسینیون است و دیگری تحقیق ارجمند دریایی جان هلموت ریتر. کتاب تحقیق ماسینیون که قبل از جنگ جهانی سال ۱۹۱۴ نوشته شد و در سال ۱۹۲۲ منتشر یافت مطالعه در باب اصطلاحات صوفیهٔ علی‌الخصوص حلّاج است و در حقیقت بسط بعضی از نتایجی است که ماسینیون در اثر دیگر خود به نام مصائب حلّاج به آن رسیده بود و تنها بخشی از آن مربوط به تحلیل اصطلاحات صوفیه است که ماسینیون سرچشم‌های آن را عمده در قرآن می‌داند؛ بقیه آن نخستین تألیف و ترکیب تاریخ تصوّف اسلامی از آغاز آن تا زمان مرگ حلّاج (۹۲۲/۳۰۹) است.

کتاب دریایی جان نیز تحقیق اصطلاح شناختی دربارهٔ موضوعاتی است که عارفان مسلمان به آنها پرداخته‌اند. البته چنین تحقیقی هدف مستقیم پروفسور ریتر نبود، زیرا چنانکه از عنوان فرعی آن، یعنی انسان، جهان و خدا در حکایات فرید الدین عطار بر می‌آید، مقصود او بررسی موضوعات اساسی جهان روحانی عرفان اسلامی در حکایات عطار و بسط آنها و هدایت خوانندگان به سرچشم‌هایی است که این موضوعات از آنها جوشیده است.

کتاب تفسیر قرآنی و زبان عرفانی نویا شامل یک مقدمه و پنج فصل است. نویسنده در

---

Exégèse coranique et langage mystique \*  
دلی چون نویسنده خود این عنوان را به عربی «التفسير القرآني واللغة الصوفية» (نگاه کنید به: بولیس نویا، نصوص صوفیهٔ غیر منشورة، توطنه، ص ۹) ترجمه کرده است، «تفسیر قرآنی» را مرّجح دانستم.

مقدمه نخست به سخن بعضی از منتقدان پاسخ می‌دهد که صوفی را مترادف با خیالپرداز می‌دانند. سپس به مسئله زبان صوفیانه می‌پردازد و آن را زبان تحریر به عرفانی می‌داند، زبانی که پایه‌بای تحریر به درونی به وجود می‌آید و همهٔ مایهٔ خود را از زندگی واقعی می‌گیرد.

آن گاه نویازبان عرفانی را به دونوع زبان متمایز، زبان «عبارت» و زبان «اشارت» تقسیم می‌کند و می‌گوید بررسی دربارهٔ این زبان را از قرآن آغاز باید کرد، زیرا قرآن عناصر بنیادی تفکر دینی دربارهٔ جهان را برای ذهن مسلمان فراهم می‌کند. ولی شیوه‌ای که برای تحقیق دربارهٔ قرآن برمی‌گزیند برخلاف شیوهٔ ماسینیون و آربری و دیگران است. او به جای اینکه پاسخ سؤال خود را مستقیماً در قرآن بجوئید آن را از آمنتی که قرآن را می‌خواند جویاً می‌شود و به بررسی قدیم‌ترین تفسیرهای قرآن می‌پردازد، و در میان قدیم‌ترین تفسیرهای قرآن تفسیر مقاتل را موضوع نخستین فصل کتاب خود می‌سازد.

مقایسه میان مقاتل و حکیم ترمذی، که هر دو کتابی دربارهٔ «وجه» مختلف واژگان قرآنی نوشته‌اند، در فصل دوم، نشان می‌دهد که چگونه تحریر به عرفانی به صورت اصلی در تفسیر درمی‌آید. آن گاه نویازبان در بخش دوم همین فصل تفسیر امام جعفر صادق(ع) را به تفصیل بررسی می‌کند، و آن را نشانهٔ آغاز تکون زبان عرفانی می‌داند.

فصل سوم به تفسیر مبتنی بر تحریر به درونی اختصاص دارد که شقيق بلخی و خرّاز غایبندگان آن‌اند. تحلیل مبسوط تفسیر خرّاز نشان می‌دهد که در آن چه چیزهایی از واژگان قرآن حفظ شده است و چه چیزهایی در واژگان تحریر به نوآوری سالک است، تحلیلی که مراجعت به اصطلاحات ترمذی آن را تقویت می‌کند.

ولی تفصیل نوآوری زبان تحریر به و واژگان آن را تنها در آخرین فصل کتاب می‌یابیم که در آن رساله‌ای از نوری و نیز آثار نفری بررسی می‌شود. زیباترین فقرات رساله نوری آنها بی‌است که، با مراجعت به تحریر به، استعاراتی خلق می‌کند که همه رمز (نماد)‌هایی اصیل است. ولی آثار نفری ما را یکسر به قلمرو رمزها می‌برد. با این آثار است که زبان حقیقی تحریر به عرفانی زاده می‌شود، زبانی که صوفی در آن زیسته است و در عین حال هم زبان خداست و هم زبان انسان.

فی الجمله، تحقیق پُل نویازبان در این کتاب ما را از طرحهای اوّلیّه تفسیر که هنوز در جستجوی هویّت خود بود به تدریج به نوع کاملی از زبان عرفانی رهنمون می‌شود که در طی چهار قرن، که می‌توان تصوّف آن را «تصوّف کلاسیک» نامید، نشو و نغا یافته است.

پل نویازبان در فراهم آوردن این کتاب، چنانکه در متن و در کتابنامه آن خواهید دید، به

بسیاری از منابع مر بوط به موضوع مورد بحث خود مراجعه کرده است؛ بعضی از این منابع به صورت نسخه خطی است و هنوز به کسوت چاپ در نیامده است. سعی نویسنده در دستیابی به این منابع و احاطه کامل بر مباحث آنها از عمق و وسعت موضوعاتی که در کتاب عرضه می‌کند به خوبی نمایان است. امتیاز بزرگ نویا در این تحقیق تسلط او بر دقایق زبان عربی است، زیرا عربی زبان مادری او بوده و این منابع همه به زبان عربی نوشته شده است. بدیهی است که ترجمه چنین کتابی در بسیاری از موارد مستلزم مراجعت به این منابع بوده است تا دقایق معانی الفاظ متون اصلی، که در نقل به زبان فرانسه کم و بیش دقت خود را از دست می‌دهد، در ترجمه فارسی با مراجعة مستقیم به متون اصلی، حتی الامکان محفوظ بماند. خوشبختانه آقای دکتر نصرالله پورجوادی که مشوق این جانب در این کار بوده‌اند، و با عنایت خاصی که به این کتاب داشته‌اند، بعضی از مهمترین این منابع و گاه زیراکس نسخه خطی آنها را فراهم آورده‌اند. به علاوه ایشان با احاطه کاملی که بر مباحث عرفانی دارند از هیچ کوششی در راهنمایی این جانب در کار ترجمه دریغ نکردند، چنانکه بسیاری از قسمتهای ترجمه را به دقت و با حوصله تمام خوانند و تذکرات استادانه ایشان در پالایش ترجمه از سهوهای آن بسیار بجا و مفید بوده است، و حق این است که حصول این ترجمه جز با ترغیب و یاری و همدلی ایشان میسر نمی‌بود. از ایشان از صمیم دل سپاسگزارم.

در این کتاب فراوان به آیات قرآنی مراجعت و استناد شده است. در متن اصلی، ترجمه آیات به زبان فرانسه، یا بدون ترجمه و فقط با اشاره به شماره سوره و شماره آیه آمده است. در ترجمه فارسی آیات در بسیاری جاها از ترجمه دوست دانشمند آقای عبدالمحمّد آیتی استفاده کرده‌ام، ولی اگر به اختلاف میان ترجمه نویسنده و ترجمه آقای آیتی برخورده‌ام، برای حفظ امانت، ترجمه نویسنده را مقدم داشته‌ام.

در ترجمه عباراتی که نویسنده از منابع عربی نقل کرده است غالباً علاوه بر ترجمه آنها به فارسی، برای آگاهی بیشتر خوانندگانی که عربی می‌دانند، عین متن آنها را نیز در پانوشت آورده‌ام. نویسنده رساله‌ای از شقيق بلخی را به دلیل اهمیّت آن تماماً به فرانسه ترجمه کرده است. من متن اصلی این رساله را همراه با ترجمه آن به فارسی در اینجا نقل کرده‌ام. در ترجمه این رساله هر جا به مشکلی برخورده‌ام از دو فاضل محترم آقای عبدالله نورانی و آقای علیرضا ذکاوی قراگزلو یاری گرفته‌ام.

به علاوه وظیفه خود می‌دانم که از عنایت خاص دو همکار صدیق خود در مرکز نشر دانشگاهی، آقایان مجتبی نوری و محمد باقر خسروی که کارهای مقدماتی چاپ این کتاب به دست سعی آنها صورت گرفته است یاد کنم: آقای نوری مسئول تولید

مرکز نشر دانشگاهی علاوه بر نظارت بر کارآمدۀ سازی کتاب سهمی از کار نونه خوانی آن را هم تقبّل کردند. آقای خسروی همکار بندۀ در مجلۀ معارف نیز در اینجا، گذشته از آmadۀ سازی و نونه خوانی کتاب، کار دشوار تنظیم کتابنامه و فهارس اعلام و اصطلاحات را هم بر عهده داشتند. از هر دوی این عزیزان تشکر می‌کنم.

برای اینکه شرط حق‌شناسی را تماماً به جای آورده باشم، باید از کوشش‌های همکاران زحمتکش و ارجمند خانم آقا جانی و خانم خلیل پور نیز که کاردقيق و دشوار «پانچ» کتاب را بر عهده داشته‌اند و این کار را با کمال دلسوزی و وظیفه‌شناسی انجام داده‌اند و همچنین از خانم معصومه انوری که کتاب را با شایستگی و آراستگی تمام صفحه‌آرایی کرده‌اند، قدردانی و سپاسگزاری کنم.

اسماعیل سعادت

شهریور ماه ۱۳۷۳

## پُل نویا\*

[۱۹۸۰-۱۹۲۵]

همه در سالنامه گذشته ما یادنامه زیبای پُل نویا برای هانری کُربن را که او خود یکی از معتبرترین و شایسته‌ترین شاگردانش بود خوانده‌اند. که می‌توانست تصور کند که یک سال بعد در همین سالنامه یادنامه‌ای برای خودش نوشته خواهد شد؟ پُل نویا بعد از ظهر روز سه‌شنبه پنجم فوریه به مرگی ناگهانی درگذشت؛ تازه قدم در پنجاه و پنج سالگی گذاشته بود. برای دوستانش و برای همکارانش در بخش علوم دینی مدرسه مطالعات عالی و برای دانشجویانش که از این واقعه، روز بعد، یعنی هنگامی آگاه شدند که آمده بودند تا در کلاس درسش حضور یابند، فقدان ناگهانی او به راستی ضربه روحی سختی بود. نویا شب قبل، در کمیسیون «مجموعه» ما حضور یافته بود و با همان صراحة و همان «ساده‌دلی» طبیعی خود در گفتگوها شرکت کرده بود... البته ما چند تنی بودیم که می‌دانستیم که سلامتش زودشکن است. چند سال پیش، در بیروت سکته قلبی شدیدی کرده بود که نزدیک بود او را از پای درآورد، و از آن پس این بیماری او را مجبور کرده بود که با پرهیز و احتیاط بسیار زندگی کند. شاید خودش هم می‌دانست که حالت زندگی پس از مرگ دارد و هر دم در معرض حادثه محظوم است. من از خود می‌پرسم آیا ما تا حدّی مسئول فقدان او نیستیم؟ زیرا به حدّ کفايت پرواي حال او نداشته‌ایم و غالباً، چنانکه گویی از سلامت عادی برخوردار است، بیش از حدّ او را به کار می‌گرفتیم و او هم هیچ‌گاه از کار شانه خالی نمی‌کرد.

\*ترجمه مقاله‌ای است از:

Daniel GIMARET, in *Annuaire de la V<sup>e</sup> Section de l'École Pratique des Hautes Études*, 1980, p.32-38.

زیراکس این مقاله را دانشمند محترم آقای یان ریشار (Yann Richard) استاد دانشگاه پاریس برای آگاهی خوانندگان این ترجمه فرستاده‌اند. از ایشان صمیمانه سپاسگزارم، و نیز از همکار گرامی آقای عبدالحمد روح بخشنام که به واسطه ایشان این مهم صورت گرفت و این توفیق برای من حاصل شد که پس از جستجوی بسیار سرانجام بتوانم اطلاعاتی درباره زندگی نویسنده در آغاز این ترجمه بیاورم - ۳.

یازده

## مقدمه

در تاریخ دینی جهان اسلام ماجراهی بزرگ یگانه‌ای هست که ارزشی کلی و جهانی دارد و اسلام را به مرتبه بلند مطلق جویی حقیقی می‌برد: ماجراهی عارفان که معمولاً آنها را به نام صوفی می‌خوانند.

صوفی برای بسیاری از مردم متراff با خیالپردازی است که بیرون از واقعیات و بیرون از خود زندگی می‌کند. بکر (Becker) می‌نویسد: «برای صوفی حقیقی، زندگی نوعی رؤیاست»<sup>۱</sup> و به همین سبب است که اسلام تسنّ که جوهر خود را تأثیف دین و سیاست می‌داند، به عنوان اینکه واقع بین است و می‌خواهد سالم و دور از هرگونه جریان غیرقابل ضبطی باشد، صوفیان خود را بر کناره نگاه داشته و به آنها به چشم بدگمانی نگریسته است. و این یکی از مهمترین سوء‌تعابیرهای اسلام در ارزیابی فرهنگ خویش است.

صوفیان مسلمان هرگز خیالپرداز نبوده‌اند، بلکه اگر کلمه‌ای باشد که بر ممیزات آنها دلالت کند و آنها بخواهند کوشش روحانی خود را با آن بیان کنند کلمه «تحقیق» است که حتی متضاد با روئیاست، چه هم به معنی سعی در وصول به حقیقت است، وهم به معنی مشغله دل برای راه بردن به کنه واقعیت از طریق برداشتن نقاب از چهره توهمات. هرچند این سخن ممکن است در بادی نظر موهم تناظر بنماید، ولی باید گفت که صوفیان احساس آن دارند که در اسلام به راستی نماینده یگانه اندیشه واقع بینانه‌اند، زیرا این اندیشه اساساً کوششی صادقانه برای فهم پذیر کردن نوعی تجربه زندگی است، زندگی از آن جهت که حق در آن حضور دارد. روزه آرنالدز (Roger Arnaldez) در مقاله‌ای با عنوان *فلج تفکر فلسفی در اسلام*

---

۱. *L'Islam dans l'Occident*, جلد دوم، ص ۳۶۹، به نقل از: واردنبورگ (Waardenburg)، اسلام در آینه غرب (*Islamstudien*).

. ۷۹، *le miroir de l'Occident*